

<p>روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیرمسئول: مهدی عرفاتی</p>	<p>کندالعمال</p> <p>حدیث روز: خوش‌قولی از ایمان است.</p>
<p>امروز در تاریخ:</p> <ul style="list-style-type: none"> تشکیل و آغاز به کار نیروی دریایی ایران(۱۳۱۱ش) افتتاح اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران(۱۳۶۶ش) درگذشت حبیب‌الله سرکارولادی دبیرکل پیشین حزب مؤتلفه(۱۳۹۲ش) درگذشت منصور پورحیدری بازیکن و سرمربی تیم استقلال(۱۳۹۵ش) 	<p>واحه: حال مادر فرقت جانان و ابرام رقیب جمله می‌داند خدای حال گردن غم مخور</p>

مقطع
حساس کنونی

شتر چگونه
متوجه شد؟

از روزها الاغ پس از آن که علف بسیاری خورد و واقعاً کیف کرد، شروع به عرعر کردن به بانگ سار کرد. شتر وقتی صدای عرعر الاغ را شنید نزد وی رفت و گفت: سلام الاغ عزیز، احتراماً به نظر می‌رسد ممکن است صدای عرعر و رنای عرعر تو را ندانم یا آدمیان همانند من و منوچا بیایند یا ما را بخورند یا مانند سابق بارو دیو اینجا را بگذارند و زندگی آرام‌مان مختل شود. الاغ گفت: شتر جان، من به یاد آواز پدرم افتادم و وقتی به یاد آواز پدرم می‌افتم نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و به هنرمایی نپردازم. شتر گفت: شتر جان، رفت و الاغ چند روز دیگر نزد این عمل را تکرار کرد و به یاد پدر از خانه تازان که روی کاروانیان قافله‌ای را به آواز نزدیک می‌گذاشت صدای عرعر وی را شنیدند و به علفزار آمدند و الاغ و شتر را گرفتند و بر پشت‌شان بارهای سنگین گذاشتند و با خود بردند. پس از آن که مقداری راه پیمودند الاغ که به بخور و بخواوب افتاده کرده بود به نفس نفس افتاد و نشست. کاروانیان که غلله داشتند الاغ و با ر الاغ را پشت شتر سوار کردند و به راه ادامه دادند. شتر که از آواز خواندن نابجای الاغ به اندازه کافی عصبانی بود، از این که الاغ را بر پشت او گذاشتند عصبانی‌تر هم شد و وقتی به آستانه دره‌ای رسیدند، شروع به هرول، حرکات موزون و قمر کمر کرد. الاغ گفت: شتر جان، چه می‌کنی؟ شتر گفت: یاد رقص مادرم افتادم. من وقتی به یاد رقص مادرم می‌افتم نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم. الاغ گفت: الان وقت انتقامجویی نیست الاغ. ما را به هم بسته‌اند، اگر بیفتیم به هم می‌افتیم. در این لحظه شتر که متوجه تقدیر تاریخی خود شده و فهمیده بود بهتر است خابین کند، به قمر کمر پایان داد و سرش را زیر انداخت و به راه خود به همراه کاروانیان ادامه داد.

است که به دلیل وقت زیادی که این گروه از زنان دارند معمولاً بیشتر در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند، به نظر آن‌ها این شبکه‌ها چه زمانی برای زنان مفید و چه زمانی مخرب‌اند؟

به هم بستگی به انتخاب‌هایی دارد که زنان در این شبکه‌ها انجام می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص اینستاگرام جوری طراحی شده‌اند که مخاطب را بر معتاد به خود می‌کنند. وقتی وارد این شبکه‌ها می‌شوی اگر حواست نباشد زمانی به خودت می‌آیی که دستت خواب رفته و چشم‌انت تار. زنان باید این آگاهی را به دست بیاورند که این شبکه‌ها همون واقعیت زندگی آدم‌ها را بیان نمی‌کنند به همین دلیل مثلاً نباید از اینستاگرام، تیک‌تاک یا دیگران برای مقایسه با خودت استفاده کنی. اینستاگرام یک نمایشگر است برای اینکه تو ببینی چه چیزهایی در دنیای دیگران در جریان است و به خودت نگاه کنی. بخواهند که شاید با درآمد او هم‌خوانی نداشته باشد و خانواده او دچار چالش و عصبانیت و... کند. اما همین شبکه‌های اجتماعی اگر انتخاب‌های درست باشد می‌تواند به بهترین کلاس‌های آموزشی تبدیل شود. اینستاگرام پر است از صفحاتی که آموزش آشپزی و شیرینی‌پزی و خیاطی و... می‌دهد. یک خانم‌خانه‌دار می‌تواند با پیگیری این صفحات کلی می‌تواند از فوشمزه برای خانواده خود بپزد. می‌تواند از صفحاتی که ورزش آموزش می‌دهد، یاد بگیرد که چگونه از جسم خود مراقبت کنی. می‌تواند صفحاتی دنبال کند که کتاب معرفی کرده و مطالبی منتشر می‌کند که آگاه‌های او را افزایش می‌دهد. الان دیگر دوره‌ای نیست که در مردم دوره‌ها وارد شبکه‌ها، جوامعی شوند. به‌خصوص در دوره کرونا و تحصیل آنلاین که در درست همه بچه‌ها تبلت و یا گوشی هوشمند است و آنها به دنیای اینترنت وارد می‌شوند. گر در چنین شرایطی والدین، به‌خصوص مادر از شبکه‌های اجتماعی آگاهی نداشته باشند، نمی‌تواند به رفتار فرزند خود نظارت کرده و انتخاب‌های درست را به او آموزش دهد. در این دوره توانمندی مادران و نشان دادن آگاهی‌های آنان از میزان اثر زمانی خود را مشخص می‌کند و ثابت کرد مادران از هر زمانی می‌توانند خانواده و فرزندان موفق‌تری داشته باشند.

به باور من شغل اول همه خانم‌ها اول خانه‌داری است، حتی اگر شاغل است، چون او در کنار کار بیرون، کارهای خانه را هم مدیریت کرده و به آنها سروسامان می‌دهد. برخی از زنان اما خانه‌داری را انتخاب می‌کنند و ترجیح می‌دهند بیشتر وقت خود را در کنار اعضای خانواده سپری کنند. این زنان اگر درست عمل کرده باشند و به‌زانی شدن و راضی تبدیل شوند، خانواده‌ای شده و موفق هم خواهند داشت، آنها بهترین غذاها را برای خانواده می‌پزند و اوقات خوبی را برای فرزند و همسر خود در خانه فراهم می‌کنند و دچار فرسایش هم نمی‌شوند چون هوشمندانه دست به انتخاب می‌زنند و می‌دانند چگونه باید زندگی هدفمند و خوبی را برای خود و خانواده بسازند.

❗ چگونگی می‌توان به زنان انتخاب‌های درست را آموزش داد؟ به خصوص زنان خانه‌دار که تحصیلات دانشگاهی هم ندارند و کمتر در جامعه حضور دارند؟

مدراس و آموزش و پرورش ما که اصلاً در این زمینه کاری نمی‌کنند، یعنی مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهد. کتاب‌های مدرسه پرستار و محتواهای هم در دره زندگی نمی‌خورند. در این محتوا باید بازنگری صورت گیرد، مدارس باید نمونه مهارت‌های زندگی و انتخاب‌های درست و شویشت آدم‌ها را می‌سازند در اولویت قرار دهند. رسانه‌ها باید کارآمدتر شوند و هدفمند از این زمینه کار کنند، مثلاً صدا و سیما پرستار برنامه‌های خانواده‌محور اما واقعیت این است که همه این برنامه‌ها محتواهایی شبیه هم تولید می‌کنند، بیشتر آشنری یاد می‌دهند و اصولاً اولیه خانه‌داری در حالی‌که این برنامه‌ها می‌توانند کارآمدتر باشند و بدون موازی‌کاری، مهارت‌های خوب زیستن و کارآمد زندگی کردن را به زنان آموزش دهند. می‌گویم زنان چون مردان کمتر از زنان این برنامه‌ها را تماشا می‌کنند. هر قدر آموزش زنان جدی‌تر و کاربردی‌تر باشد، خانواده موفق‌تر خواهد بود. هر چه قدر زنان هوشمندانه‌تر دست به انتخاب بزنند، خانواده و به تبع آن جامعه پویاتر و کم‌استهتاب‌تر خواهد بود.

یکی از ایراداتی که به زنان خانه‌دار وارد می‌کنند این

گفت‌وگو با فاضله سادات حسینی، نویسنده و مجری درباره زنان خانه‌دار

پشت سر هر خانواده موفق یک زن ایستاده است

فقه‌سادات حسینی بر این باور است که شغل اول زنان، خانه‌داری است. زن شاغل که در بیرون از خانه کار می‌کند در واقع دو شغل‌اند، هم به کارهای خانه رسیدگی کرده و آنها را انجام می‌دهند و هم در بیرون از خانه، کار می‌کند، دست‌مزد می‌گیرند و کمکی هستند برای امور مالی خانواده.

سوسومامی (روز جهانی زنان خانه‌دار بود. در تقویم جهان روزی را به نام زنان خانه‌دار نامگذاری کرده تا به این قشر از جامعه که اتفاقاً هم نیستند، بیشتر توجه شود و این تفکر که زنان خانه‌دار زندگی انسان بی‌بغدغه دارند، تغییر کند. زنان خانه‌دار هر چند بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند و با چالش‌هایی که زن شاغل مواجه‌اند، روبه‌رو نیستند اما دغدغه‌ها و گاهی فرسایش‌های روانی و جسمی خاص خود را دارند. با فقه‌سادات حسینی، نویسنده و مجری تلویزیون هم‌صحبت شدم تا با بیان از آموگرهای زندگی زنان خانه‌دار بگویم.

✚ تا چند سال قبل می‌گفتند پشت سر هر مرد موفق يك زن ایستاده، اما منی است این شعار تغییر کرده و می‌گویند پشت سر هر خانواده موفق يك زن کاردار ایستاده است، نظرتان درباره این تغییر شعار چیست؟

این یک پشت سر هر خانواده موفق يك زن قوی و کارداران ایستاده، حرف امروز و دیروز نیست؛ قدیم ایلام چنین بوده و خواهد بود. همیشه خانواده‌هایی که زنان قوی داشته‌اند، استحکام بیشتری داشته و موفق‌تر بوده‌اند. این يك واقعیت اجتماعی است که در طول زمان اثبات شده است؛ زنان مسؤلیت‌پذیری که می‌توانند بین کارهای خانه و مسؤلیت‌های اجتماعی و سیاسی به امور فرزندان و همسر توان خوبی برقرار کنند، خانواده موفق‌تری را شکل داده‌اند، خانواده‌ای که شاد است و از داشته‌های خود در هر شرایطی احساس رضایت‌مندی می‌کند، رساله‌گفتاری من درباره اسناد بالادستی در خانواده بود. وقتی این اسناد را بررسی می‌کردم به این نتیجه رسیدم که قوانین خیلی خوبی برای خانواده داریم که معمولاً اجرا نمی‌شوند، شاید به این دلیل که خیلی ایده‌آل کار هستند و کلیت خانواده‌ها مدنظر ندارند، گاهی سراغ تربیت فرزندان رفته‌اند و گاهی حقوق زن و مرد... در حالی که خانواده شامل هویت، اعضا و کارکردهاست که در مجموع يك نهاد را شکل می‌دهند و اسناد این‌ها کل را هیچ‌وقت در کنار هم ندیده و به همین دلیل با کلیت‌های اجتماعی منطبق نیستند.

منطبق نیست؟

زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل وقت بیشتری دارند، هرچند امکان دارد همین داشتن وقت زیاد و انجام کارهای تکراری در زمان دست باعث فرسایش‌های روانی او شود. به نظرتان زنان خانه‌دار چگونه می‌توانند دچار این فرسایش‌ها نشوند یا میزان آنها را کمتر کنند؟

ما نباید با نگاه به گذشته، اکنون را تحلیل کنیم مثلاً

تَلَنگَر
جان بابا کجاستی؟

🔴 می‌بینی لالاجان؟
 نمی‌گذاردند جوهر چاپ
 یادداشت قبلی خشک
 شود. همین چند روز
 پیش بود که در همین
 ستون روزنامه
 سوگ‌نامه‌ای نوشتیم
 برای دو انفجار اخیر کابل. از دوستی که همیشه
 از تراس خانه‌اش در کابل عکس می‌فرستاد
 گفتم و از این که خبر انفجار که می‌خوانم دلم
 وایس او می‌شود. از پدر و پسر که طالبان به
 جرم دادن بدن به نیروهای ارتش، به رگبار بسته
 بودند. از این که دیگر وقتی خبر انفجار
 می‌شوم به دوستم پیام نمی‌دهم که تلخی‌اش
 را مکرر کنم. گفتم دیگر این چیزها عادی
 شده‌اند. اما مگر داغ عادی می‌شود لالاجان؟ مگر
 سرخی خون هم‌رنگ دیگر مصائب سیاه‌مان
 می‌شود؟ این بار با پیام دوستانه از انفجار
 باختر شنیدم. قبل از این که خود خبر را بخوانم
 پیام دوست‌مان را خواندم که گفته بود من در
 دانشگاه کابل بومم که انتحاری شد. من سالم.
 نگران نباشید.... و بعد خبر را خواندم که حمله
 مسلحانه و انتحاری به دانشگاه کابل در روز
 افتتاحیه نمایشگاه کتاب ایران و افغانستان،
 ۳۰ شه‌ت و زخمی روی دست خیابانی‌های کابل
 گذاشته است. اولش خبر طالبان آمد که ما جارا
 رد کرده بود و گفته بود کار ما نیست. اما چیزی که
 در این دنیا زیاد است جنایتکار. طالبان کردن
 نگیزد، عده دیگری می‌پذیرند. حالا که داعش
 مسوولیت این حمله انتحاری پذیرفته دارد به
 بهشتی فکر می‌کنم که تمام انتحاری نظام‌ن
 دکمه انفجار در خیالش تصور کرده. بهشتی که
 بنا باشد به قیمت جهنم کردن روزگار ۳۰ خانواده
 مسلمان بدهند چه شکلی است؟ یکی از
 شهروندان افغان در حساب توئیتر خود نوشته
 است که بعد از حیران‌انگیزی سرآغ جنازه‌ها
 رفتم و موبایل یکی از یکی‌ها را برداشتم که به
 کارشان رنگ بزنم و اطلاع بدهم. روی
 موبایل یکی‌شان ۱۴۲ تماس می‌پاسخ ثبت شده
 بود و در آخر یک پیامک رسیده بود که: جان بابا
 کجاستی؟ می‌بینی لالاجان؟ نمی‌گذاردند جوهر
 سوگ‌نامه قبلی‌مان برای کابل خشک شود. فعلا
 این یکی را استجاق کن به شال عزای سیاه‌تاتان تا
 بعد بپیمیم سرو و کارمان با جنایتکاران این جهان
 به کجا می‌رسد.

مرور و عبور
جام جم ۲۰ سال قبل

آرتروز درمان پذیر شد

یک گروه تحقیقاتی دانشگاه «یوسی ال» لندن اعلام کرد: توانسته داریوری را تولید کند که بیماری آرتروز مفاصل را بهبود بخشد و حتی به‌طور کامل آن را درمان کند. بیماری آرتروز مفاصل از جمله بیماری‌های شایع در انگلیس است و گفته می‌شود حدود ۷۵۰ هزار نفر در این کشور از این بیماری رنج می‌برند. روزنامه تایمز چاپ لندن در این باره نوشت: به دنبال تایید اثر ضایعت بخش این داروی ۲۰ بیمار مبتلا به آرتروز قرار است یک گروه بین‌المللی اقدام به آزمایش آن‌ها پیش این کار کند. داریوری ادعای آنان قرار است سلول‌های B را که باعث آرتروز می‌شود، نابود کند. (صفحه ۱۲)

کاسپاروف شکست خورد



گری کارسپاروف، قهرمانی که حدود ۱۵ سال بر قله شطرنج جهان ایستاده بود، پنجشنبه در برابر شاگرد خود تسلیم شد و عنوان جهانی‌اش را از دست داد.

کاسپاروف که بعد از آناتولی کاریف اقتدار خود را بر شطرنج جهان آغاز کرده بود برای دفاع از عنوان جهانی خود در شهر لندن دیدارهایش را با ولادیمیر کرامنیک، شاگرد سابق خود آغاز کرد.

کاسپاروف که از آغاز دیدار ضعف‌های خود را نشان داد بعد از یک تساوی در دوم از حریف ۲۵ ساله‌اش شکست خورد. (صفحه ۱۵)

ارتباط

مشکلات نسل سوم

رئیس سازمان ملی جوانان با انتقاد شدید از آنچه وی تعارض در گفتار و کردار مسؤولان کشور خواند، گفت: این تعارض و شکاف نسل سوم انقلاب را خرد می‌کند. دکتر مرضی میرباقری در هفتمین جلسه شورای جوانان خراسان نسل سوم انقلاب را جوانان و نوجوانان زیر ۲۴ سال عنوان کرد و گفت: نسل سوم انقلاب نسلی است که دوران انقلاب و دفاع مقدس را درک نکرده و به دلیل مسئله‌های بسیار مسائل این نسل به فراموشی سپرده شده‌است. وی از نحوه ارتباط میان مسؤولان کشور و موضوعگیری‌های آنان مقابل دیگر نیک‌بینان انتقاد کرد و گفت: این مسائل نسل سوم را کلافه کرده و جوانان به تدریج به این نتیجه می‌رسند که مسؤولان کشور در یک عالم دیگر سیر می‌کنند. (صفحه ۷)

[illegible]

نظر با هنر درباره انتخابات سال ۸۰



محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين به شدت به نحوه رفتار و تعاملات جناح‌ها و احزاب سياسي کشور با یکدیگر حمله کرد. وی در نشست سالانه خانه‌های دانشجویی سراسر کشور با عنوان آینده، انقلاب اسلامی گفت: مسافانه جناح‌ها و گروه‌های سياسي به‌طور علنی به الزامات فضای باز سياسي توی اند نکرده‌اند و اکثر مطالب آنها در جهت مخدوش کردن وحدت و امنیت ملی است. سخنگوی جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری تصریح کرد: در رفتارهای سياسي جامعه ما بیش از رقابت سياسي رفتارهای نظامی به چشم می‌خورد و حزب و جناح پیروز بیشتر مایل است اسیر و کشته از جناح قریب بگیرد. و وضعیت را برای جناح مغلوب به نقطه غیرقابل برگشت برساند. باهنر درباره شرکت جامعه اسلامی مهندسين در انتخابات سال ۸۰ گفت: ما هنوز تصمیمی جدی برای عدم مشارکت نگرفته‌ایم. (صفحه ۲)